

## بررسی رفتار متقابل شخصیت‌ها در حکایت بوف و زاغ کلیله و دمنه (بر اساس نظریه شخصیت اریک برن)

حسین حسینی پور<sup>۱</sup>، دکتر علی گراوند<sup>۲</sup>، دکتر حسن سلطانی کوهبنانی<sup>۳</sup>، دکتر جهان‌شاه محمدزاده<sup>۴</sup>  
(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۰۵، تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۰۷)

### چکیده

تحلیل رفتار متقابل به عنوان نظریه‌ای در روانشناسی در هر زمینه‌ای که نیاز به درک افراد، روابط و ارتباطات باشد، می‌تواند به کار رود. این مقاله بر آن است تا به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی و براساس نظریه‌ی تحلیل رفتار متقابل اریک برن و با استفاده از ساز و کارهای دفاعی روان آدمی، داستان بوف و زاغ کلیله و دمنه را با رویکرد میان‌رشته‌ای تجزیه و تحلیل نماید. با بررسی ابعاد و زوایای شخصیت‌های حیوانی این داستان‌ها می‌توان شناخت بهتری از افکار و احساسات پیچیده‌ی انسان‌هایی که شخصیت‌های حیوانی نماد آنان هستند و هر یک در مقام والد یا کودک و بالغ نقش ایفا می‌کنند، به دست آورد. با توجه به ویژگی‌های رفتاری هر یک از شخصیت‌ها معلوم می‌شود که از بین جنبه‌های سه‌گانه‌ی ساختار شخصیت بُعد والد و کودک در داستان بوف و زاغ برجسته‌تر از ابعاد دیگر شخصیتی است. پیامی که از جانب یکی از شخصیت‌ها ارسال می‌شود در واکنش دیگران تأثیر می‌گذارد؛ تحلیل رفتارهای متقابل در داستان نیز آشکار می‌کند که هم‌زیستاری درهم تنیده‌ای میان شخصیت‌ها وجود دارد. روابط متقابل بین شخصیت‌های داستان در ابتدا از نوع متقاطع اما سازنده ولی در ادامه به تعامل از نوع مکمل تبدیل می‌شود که رفتارها چندان در جهت تأمین اهداف هم‌دیگر نیست و به اختلالاتی در رفتار آن‌ها منجر می‌شود.

### واژگان کلیدی

تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها، والد، بالغ، کودک، کلیله و دمنه.

۱- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام؛ تلفن همراه: ۰۹۳۶۲۰۱۹۰۵۱؛ ایمیل: h.hosseinipoor@gmail.com  
۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام؛ تلفن همراه: ۰۹۱۶۲۶۱۲۵۱۶؛ ایمیل: a.garavand@ilam.ac.ir  
۳- استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام  
۴- دانشیار روان‌شناسی دانشگاه ایلام

## مقدمه

یکی از حوزه‌های جالب در مطالعات ادبی پژوهش‌های میان رشته‌ای علی‌الخصوص با زمینه‌ی روان‌شناسی است که به روان‌شناسی ادبیات می‌پردازد. در این رویکرد بر اساس نظریات مختلف روان‌شناسی و با دیدگاه بزرگان این علم به مطالعه‌ی ادبیات و آثار ادبی و شرح و تحلیل متون ادبی پرداخته می‌شود. یکی از این نظریات نظریه‌ی «تحلیل رفتار متقابل» (Transaction-Analysis Association) است که «اریک برن» (Eric Berne ۱۹۷۰-۱۹۱۰) آن را در سال ۱۹۵۰ میلادی ارائه کرد. این نظریه به لحاظ کاربرد در حل مشکلات احساسی و رفتاری، مورد توجه جامعه‌ی روان‌شناسی قرار گرفت و تدریجاً بر اساس آن نظریه‌های جدیدی در زمینه‌های مشاوره، روان‌کاوی، گروه‌درمانی، مدیریت، جامعه‌شناسی، توسعه‌ی سازمانی و آموزش ارائه شد و به این ترتیب گسترش و عمومیت یافت؛ به طوری که امروزه این نظریه در هر جایی که انسان حضور داشته باشد و با اطرافیان خود وارد تعامل شود، کاربرد دارد و ابزاری است، برای بررسی تغییرات و مشکلات شخصیت. «نظریه‌ی تحلیل رفتار متقابل که در آن نوع روابط افراد از اهمیت فراوانی برخوردار است، بر پایه‌ی الگوهای سه‌گانه‌ی شخصیتی بنا شده است. اریک برن این حالت‌های شخصیتی را در سه بخش والد، بالغ و کودک بیان نمود که شامل نوعی نظام به هم پیوسته‌ی فکر،

احساس و رفتار کردن است. در روند تکاملی این نظریه؛ یعنی رابطه‌ی بین افراد، به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ابعاد شخصیت توجه و مورد بررسی قرار می‌گردد» (بهرامی، ۱۳۸۵: ۲۵). همچنین از آنجا که جامعه، بستری گسترده از سطوح مختلف تعامل بین ابعاد مختلف شخصیت است، می‌توان جامعه را دارای ساختاری انسانی دانست که رفتارهای ابعاد سه‌گانه‌ی شخصیت انسانی در آن قابل ردیابی است. بر این اساس «جامعه‌شناسانی چون اسپنسر (Herbert Spencer) و دورکیم (Emile Durkheim) جامعه‌ی انسانی را شبیه موجودات زنده دانسته‌اند» (اینکلس، ۱۳۵۳: ۵۵). از این رو می‌توان ساختارهای شخصیت را به جامعه نیز تعمیم داد و به این ترتیب دامنه‌ی تحلیل رفتار متقابل را به ساختار اجتماع و مدیریت منابع انسانی و سازمانی نیز توسعه داد. به طور کلی تحلیل رفتار متقابل در هر زمینه‌ای که نیاز به درک افراد، روابط و ارتباطات باشد می‌تواند به کار رود؛ بنابراین شخصیت‌های حیوانی در داستان‌های تمثیلی و نمادین که اشیاء و حیوانات در آن‌ها نمادی از شخصیت‌های انسانی هستند؛ از این رو می‌توان رفتارهای آنان را بر اساس نظریه‌های روان‌شناختی انسان‌ها تحلیل نمود؛ بنابراین در این مقاله نیز سعی شده است، با دیدگاه روان‌شناسی و بر اساس نظریه‌ی رفتار متقابل شخصیت حکایت بوف و زاغ از کتاب کلیله و دمنه بررسی و ابعاد مختلف شخصیت‌های داستانی آن تجزیه و تحلیل شود و زنجیره‌ی

روابط میان اشخاص داستانی در آن نشان داده شود و در واقع به دنبال جواب این پرسش‌ها است که شخصیت‌های داستانی در حکایت بوف و زاغ بر اساس کدام یک از ابعاد شخصیتی خویش در داستان ظاهر شده و عمل نموده‌اند؟ زنجیره‌ی روابط میان اشخاص داستان در تعامل با هم بر اساس کدام سازکارهای دفاعی است؟

از آن‌جا که با تجزیه و تحلیل زوایای پنهان ذهن و روان شخصیت‌های داستانی خصوصاً داستان‌های تمثیلی که در آن‌ها حیوانات و اشیاء نمادی از انسان‌ها هستند، می‌توان به افکار و احساسات پیچیده‌ی درونی آن‌ها پی برد و علل تعارض و تنش‌های رفتاری شخصیت‌ها را دریافت و به علل خلق و ابداع آثار هنری و ادبی خصوصاً آثار روایی پی برد؛ زیرا داستان و روایت زمانی شکل می‌گیرد که روال عادی زندگی اشخاص از حالت تعادل با ورود عامل مخربی دچار تنش شود و وارد حالت عدم تعادل و به هم‌ریختگی شود که باز این عدم تعادل با ورود عامل سامان دهنده‌ای به وضعیت تعادل ثانویه می‌رسد (تودوروف، ۱۳۸۲: ۹۱) و همین امر گرایش به این رویکرد را در نقد و تحلیل آثار ادبی خصوصاً آثار روایی ضروری می‌نماید و نشان می‌دهد که این نوع نقد آثار روایی بسیار ارزشمند و مهم است. علاوه بر آن، این نوع تحقیقات نشان دهنده‌ی ظرفیت آثار روایی کهن ادب فارسی برای نقد روان‌شناختی است. علاوه بر این نشان می‌دهد که قدرت و توانایی نویسنده در

شخصیت‌پردازی در داستان چقدر است و میزان موفقیت وی در نشان دادن زوایای مختلف ذهن و روان اشخاص داستانی به چه میزانی است. هدف از این‌گونه مطالعات و این رویکرد جدید به ادبیات گونه‌شناسی رفتار اشخاص داستانی است و به دنبال شناخت و تحلیل ویژگی‌های روانی شخصیت‌های داستانی است.

این پژوهش از نوع میان‌رشته و با رویکرد روان‌شناسی است که به شیوه‌ی تحلیل محتوا اجرا می‌شود و به توصیف و تجزیه و تحلیل رفتار و ابعاد گوناگون روح و روان شخصیت‌های حکایت «بوف و زاغ» کلیله و دمنه می‌پردازد و از نوع تحقیقات اسنادی یا کتابخانه‌ای است.

### پیشینه پژوهش

قدمت گرایش به روان‌شناسی در پژوهش‌های ادبی به دیرینگی یونان و پدید آمدن نظریات دقیق اندیشمندان یونانی درباره‌ی شعر و شاعری برمی‌گردد که رفته‌رفته تحلیل و موشکافی در متون ادبی با بهره‌گیری از آراء روان‌شناسی بیشتر شده و با نظریات کولریج (Samuel Taylor Coleridge) که به تفسیر روان‌شناسی از شعر پرداخت و فروید که تحلیل روان‌شناسانه‌ای از آثار داستایوفسکی (Dostoevsky) داستان‌نویس روسی ارائه کرد روبه‌افزایش نهاد. این پژوهش‌ها توسط اتو رانک (Otto Rank)، چارلز بودوئن (Ch. Baudouin)، یونگ (Carl Jung)، آدلر (Alfred Adler) و دیگران که با رویکرد

روان‌شناسی به تحلیل انواع آثار ادبی (داستان، فیلم‌نامه، افسانه، شعر و غیره) پرداختند ادامه یافت و دامنه‌ی این‌گونه پژوهش‌ها را گسترش دادند (رضی و حاجتی، ۱۳۹۱: ۴۱).

در ایران نیز هر چند پیشینه تحلیل‌های روان‌شناسی خیلی زیاد نیست؛ اما بر روی هم پژوهش‌های بسیاری در حوزه‌ی روان‌شناسی و ادبیات منتشر شده است و مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی از دیدگاه روان‌شناسی و بر اساس نظریه‌های مختلف روان‌شناسی نوشته شده است که ذکر همه‌ی آنها ضرورتی ندارد؛ اما از جمله‌ی این کارها می‌توان به مهمترین آن‌ها اشاره نمود از جمله محمد صنعتی‌زاده و حورا یآوری از جمله کسانی هستند که به تحلیل آثار ادبی با دیدگاه روان‌شناسانه پرداخته‌اند. با وجود این بخش اندکی از این تحقیقات مربوط به روان‌شناسی شخصیت است مانند: «تحلیل روان‌شناسی شخصیت و زندگی فریدون در شاهنامه»، از مهران مرادی و احمد امین. یا «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های داستانی هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریه‌ی اریکسون»، از رامین محرمی و دیگران، بررسی پیشینه‌ی پژوهش در این حوزه نشان می‌دهد که تحلیل رفتار متقابل در آثار ادبی کهن فارسی بر خلاف سایر نظریه‌های روان‌شناسی، خیلی مورد توجه پژوهشگران ادبی نبوده است و فقط درباره‌ی مکانیزم دفاعی فرافکنی که

از موضوعات فرعی این بحث است، کتابی با عنوان «فرافکنی و ادبیات» از احمد کتابی وجود دارد در بخش اول این کتاب به صورت کلی بدون پرداختن به جنبه‌های مختلف فرافکنی، شواهدی از کاربرد آن در متون نظم و نثر ارائه شده است (کتابی، ۱۳۸۳: ۸). هم‌چنین پایان‌نامه «فرافکنی در مثنوی» در مقطع کارشناسی‌ارشد یدالله رحیمی (۱۳۸۶) نیز از جمله مطالعات از این دست می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حکایت‌های مرزبان‌نامه با وجود دارا بودن کنش‌های مختلف رفتاری و گفتاری میان شخصیت‌ها از منظر روان‌شناسی؛ به خصوص بر اساس نظریه‌ی تحلیل رفتار متقابل مستقلاً بررسی نشده است؛ در حالی که وجود روابط تنگاتنگ میان شخصیت‌ها در این اثر انجام چنین پژوهشی را ایجاب می‌کند، هم‌چنین مقاله تحلیل بررسی رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو از کلبه و دمنه، نگارش احمد رضی و سمیه حاجتی به تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو کلبه و دمنه پرداخته که نتایج آن نشان می‌دهد که روابط متقابل میان شخصیت‌ها از نوع مکمل و سازنده بوده و در ادامه به تعامل از نوع متقاطع انجامیده که موجب بروز اختلال در رفتار شخصیت‌ها می‌شود. این مقاله در واقع می‌تواند تنها الگو در این زمینه باشد و این نوشتار هم بسیار از آن بهره برده است.

## بحث و تحلیل

در این بخش با درنظر گرفتن مؤلفه‌های تحلیل شخصیت براساس نظریه اریک برن به بررسی شخصیت‌های موجود و مطرح شده در داستان بوف و زاغ پرداخته می‌شود و بررسی می‌گردد که نوع رفتار و تقابل شخصیت‌ها در داستان به چه شکل پیش رفته است؛ اما ضرورت دارد خلاصه‌ای از داستان جهت آمادگی ذهنی خوانندگان ارائه گردد.

### خلاصه داستان بوف و زاغ

در کوهی درختی بود که هزاران کلاغ در آن لانه داشتند، یکی از این کلاغ‌ها پادشاه آنان بود. در نزدیک این درخت غاری بود که هزاران بوف در آن زندگی می‌کردند و در میان آن‌ها یکی پادشاه بود. پادشاه بوف‌ها یک شب به آشیانه‌ی زاغان حمله کرد و بسیاری از آن‌ها را کشت و زخمی کرد. کلاغ‌ها نزد پادشاه رفتند و به او گفتند: اکنون چه کنیم و چاره چیست؟ پادشاه زاغان پنج وزیر داشت، از آن‌ها مشورت گرفت. وزیران هر کدام این‌گونه پاسخ دادند: وزیر اول گفت: چون بوف‌ها از ما قوی‌تر هستند بهتر است این‌جا را ترک کنیم و فرار کنیم.

وزیر دوم گفت: من به فرار سفارش نمی‌کنم و فرار را درست نمی‌دانم و لانه‌های خود را برای آن‌ها بگذاریم بلکه باید بجنگیم و از آشیانه دفاع کنیم.

وزیر سوم گفت: جاسوس بگذاریم تا بدانیم دشمن در پی جنگ است یا آشتی یا چشم به مال و منال دارد، اگر فهمیدیم با پرداخت باج راه آشتی باز می‌شود بهتر است به خراج و باج تن دهیم و خودمان را نجات دهیم.

وزیر چهارم گفت: حرف هیچ کدام را قبول ندارم باید کوچک کنیم و غم غربت را تحمل کنیم.

وزیر پنجم گفت: با دشمنی که از تو قوی‌تر است نباید درگیر شد و آشتی کردن با دشمن هم فریب است و درنهایت جان سالم به در نمی‌بریم، وزیر پنجم با پادشاه دلیل خصومت بوف و زاغ را پرس و جو کرد و گفت: با ترفند و حیله می‌توان چاره‌ای کرد. پادشاه گفت چگونه؟ وزیر گفت: من را جلوی چشم همه به باد کتک بگیرد و دم و پره‌های من را بکنید و در پای درختی ببندازید و من در آن‌ها نفوذ می‌کنم و زمانی که که از نقاط قوت آن‌ها با خبر شدم خودم را به شما می‌رسانم و به هدفمان خواهیم رسید. زاغ‌ها همین کار را کردند و او را به پای درختی انداختند و زاغ آن چنان ناله می‌کرد که صدایش به بوف‌ها رسید و پادشاه را با خبر کردند.

نزدیک زاغ آمدند و از او پرسیدند تو کی هستی و بقیه زاغ‌ها کجا رفتند؟ زاغ وزیر گفت: من از وزیران و مشاوران پادشاه هستم چون پادشاه با من مشورت کرد که با بوف‌ها چه باید کرد، و من گفتم نمی‌توانیم با بوف‌ها بجنگیم چرا که آن‌ها یک پارچه هستند و از زاغ‌ها پر زورترند و

نظرم این است که با آن‌ها آشتی کنیم، اما به من تهمت زدند که با بوف‌ها همراه شده‌ام و مرا به این روز انداختند.

پادشاه بوف‌ها وزیران را جمع کرد و از آن‌ها پرسید که با این زاغ چه کنیم؟

وزیر اول گفت: او را بکشیم چون که پشت زاغ‌ها به خاطر کشتن وزیرشان شکسته می‌شود. وزیر دوم گفت: دشمنی که چنین خوار شده سزاوار گذشت و مهرورزی است.

وزیر سوم گفت: بهتر است او را بکشیم چرا که شخص خردمند جنگ کردن دشمنی را با دشمن دیگر پیروزی به حساب می‌آورد. پادشاه بعد از شنیدن سخن وزیران دستور داد زاغ را به آشیانه بوف‌ها ببرند و او را گرامی بدارند.

سرانجام زاغ بعد از این که از پوشیده‌های دشمن پرده برداشت از لانه بوف‌ها فرار کرد و به پادشاه گفت: در دامنه‌ی کوهی که بوف‌ها لانه دارند گله‌ای می‌چرد و ما می‌توانیم از اجاق چوپان آتشی ببریم و بر در دهانه‌ی آشیانه بوف‌ها که هیزم‌های خشکی هست بیاندازیم تا هلاک شوند. زاغ‌ها چنین کردند و پیروز شدند.

## ابعاد مختلف شخصیتی اشخاص قصه‌ی بوف و زاغ

چنان که پیشتر هم اشاره شد، در وجود هر فرد سه بعد شخصیتی وجود دارد که در موقعیت‌های گوناگون یکی از این ابعاد بروز و نمود یافته و خود را نشان می‌دهد. «فرد در

موقعیت‌های مختلف رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهد. تحلیل ساختار شخصیت به معنی بررسی ساختار حالات شخصیت و رفتار انسان است که به صورت احساسی، رفتاری و کلامی بروز می‌نماید و دارای سه نوع ساختار است: والد، بالغ و کودک» (بهرامی، ۱۳۸۵: ۳۵). در این قسمت به بررسی ابعاد گوناگون شخصیت اشخاص قصه در حکایت بوف و زاغ پرداخته می‌شود. می‌توان بوف‌ها و زاغ‌ها را در حکایت کلیله و دمنه نمونه‌ای از این ساختار شخصیتی به شمار آورد که رفتارهای کلامی و غیر کلامی آنان در موقعیت‌های متفاوت بیان‌گر ابعاد مختلف شخصیتی آن‌هاست که در ادامه به بررسی این ابعاد شخصیتی آنها پرداخته می‌شود:

**والد:** والد (Parent) بُعد اول شخصیت است. «افکار و رفتارهای والدین که در شخص درون‌فکنی شده است و در رفتار و گفتار او بازتاب می‌یابد، این بعد شخصیت را شکل می‌دهد. والد رفتارهای حمایت‌گرایانه، نصیحت‌کردن، انتقادکردن، سرزنش‌کردن و غیره را بروز می‌دهد» (استوارت و جونز، ۱۳۸۹: ۷ - ۷۶).

در داستان بوف و زاغ از کلیله و دمنه شاهد بُعد والد در شخصیت شاه زاغ‌ها هستیم، چرا که با فرا خواندن وزیران جهت مشورت پیرامون بوف‌ها درصدد حل مشکل و نشانه‌ی احساس مسئولیت است. هم چنین زمانی که شاه بوف‌ها زاغ را نمی‌کشد و او را گرامی می‌دارد از بُعد

شخصیتی والد تصمیم می‌گیرد. ابعاد شخصیتی والد در این داستان در چهار گونه نمود دارد:

الف) والد حمایت‌گر: «والد حمایت‌گر (kind Parent) خصوصیتی چون مراقبت، دل‌نگرانی، بخشندگی، اطمینان‌بخشی و محافظت همراه با صمیمیت و نگرانی دارد» (بهرامی، ۱۳۸۵: ۴۳). در داستان بوف و زاغ زمانی که بزرگ‌زاغان در پی یافتن راه خلاصی است و سایر وزیران را برای مشورت فرا می‌خواند رفتاری حمایت‌گرایانه و مسئولانه و نگران در قبال سایر زاعان از خود نشان می‌دهد و از وزیر درخواست هم‌فکری و نجات زاعان را در این شرایط دارد. هم‌چنین زمانی که شاه بوف‌ها وزیران را جهت نظرخواهی و هم‌فکری در مورد زاغ (وزیر پنجم زاعان) فرا می‌خواند رفتاری حمایت‌گرانه و مهربان از خود نشان می‌دهد.

هم‌چنین نظر وزیر دوّم بوف‌ها که درخواست گذشت و مهرورزی نسبت به زاغ را دارد در واقع از بُعد شخصیتی والد مهربان و حمایت‌گر وارد می‌شود.

ب) والد انتقادگر: «والد انتقادگر (Parent crit-icizer) ویژگی‌هایی مانند پافشاری، درخواست کردن و خودرأبی را دارد» (همان). در داستان بوف و زاغ شاه زاعان در مقام والد انتقادگر به خوبی خواهان تغییر وضعیت خود و همه‌ی اعضا بوده و بر درخواست خود پافشاری کرده و خواهان نجات است. در میان وزیران بوف هم وزیر سوم

که اصرار به کشتن زاغ را دارد و هر از چند وقت نظر خود را تکرار می‌کند و از نکشتن زاغ انتقاد می‌کند در نقش والد انتقادگر آشکار می‌شود.

ج) والد فعال: «والد فعال (Parent Active) خود را صریح و آشکار نمایان می‌سازد و در رسیدن به هدف خود تلاش می‌کند» (همان). در داستان بوف و زاغ وزیر پنجم زاعان شخصیت والد فعال خوبی را به نمایش گذاشته است چرا که با هوشمندی و شجاعت خود به مرحله عمل وارد می‌شود. یا وزیر سوّم بوف‌ها که صریحاً نظر کشتن زاغ را دارد و نظر خود را جهت اعمال بارها بیان می‌کند و بارها تلاش می‌کند شاه بوف‌ها را جهت کشتن زاغ راضی کند.

د) والد تأثیرگذار: «والد تأثیرگذار (punchy Parent) به کمک شیوه‌های غیرمستقیم و با فرستادن پیام‌هایی به بالغ و کودک آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (همان). در داستان بوف و زاغ گرایش والد تأثیرگذار در شخصیت وزیر پنجم زاغ‌ها با توجه به این که با صراحت و نترسی وارد میدان شده نمایان است. هم‌چنین با بیان انتقاد و مثال داستانی برای متأثیر کردن شاه و توجیه نظر خود نسبت به سایر نظر زاعان که با ترفند و نقشه سعی در شکست بوف‌ها را دارد تصویر پررنگی از والد تأثیرگذار را در شخصیت خود نشان می‌دهد و بر ذهن شاه تأثیر گذاشته و نقشه خود را عملی می‌کند.

۲-۲-۳. بالغ: یکی از ابعاد شخصیتی هر



فرد بعد بالغ (Adult) است. «در درون هر فرد نیرویی نهفته است که می‌توان از آن با عنوان عقل، منطق و مصلحت نام برد، به این جنبه از شخصیت، بالغ گفته می‌شود» (بهرامی، ۱۳۸۵: ۵۰). بُعد شخصیتی بالغ نیروی نهفته در خود را به صورت برخورد منطقی، حساب‌شده و مصلحت‌گرایانه در مواجه شدن با موقعیت‌ها و مشکلات نشان می‌دهد.

در داستان بوف و زاغ زمانی که وزیر پنجم زاغ‌ها با تفکر و از روی عقل و منطق نقشه‌ی خود را بیان می‌کند و با نقشه و تدبیر موقعیت خطرناک و حساس زاغان را رفع می‌کند در واقع در بُعد شخصیتی بالغ قرار دارد و از بُعد شخصیتی بالغ خود تصمیم می‌گیرد.

۳-۲-۳. کودک: کودک (Child) بیشتر با انواع احساساتی که بروز می‌دهد شناخته می‌شود. «قرار گرفتن در وضعیت مشکل و ناراحت‌کننده باعث احساس بی‌هودگی، ناراحتی، عذاب وجدان و به‌طور کلی گرفتار شدن در چنگ احساسات می‌شود که این حالت نمودی از بُعد شخصیتی کودک است. هم‌چنین عجولانه و غیرمنطقی عمل کردن از ویژگی‌های این الگوی شخصیتی است» (جونز و استوارت، ۱۳۸۹: ۴۰).

در داستان کلیله و دمنه آن زمان که زاغ (وزیر پنجم) طبق نقشه در پای درخت ناله و زاری و تمارض می‌کند و خود را قربانی دیگر زاغان می‌کند در واقع برای فریب بوف‌ها از بُعد

شخصیتی کودک خود بهره می‌برد. هم‌چنین گروه بوف‌ها در مواجهه با زاغ وزیر تحت تأثیر داستان ساختگی او و اعتماد به او بُعد شخصیتی کودکشان غلبه کرده و درگیر احساسات خویشتن شده و شکست می‌خورند. هم‌چنین نظر وزیر دوّم زاغان بر فرار و دوری از جنگ تصمیماتی است که از بُعد شخصیتی کودک او سرچشمه می‌گیرد. یا نظر وزیر سوّم بر کوچ و تحمل غربت که باز از ترس سرچشمه می‌گیرد و از ابعاد و ویژگی‌های شخصیت کودک است. کودک رفتاری سازگارانه دارد و گاهی سه‌الگوی رفتاری مهرطلب، آزارگر و قربانی را از خود بروز می‌دهد، در داستان بوف و زاغ گروه بوف‌ها همگی دست‌خوش مهرطلبی از سوی وزیر زاغان و در نهایت قربانی احساسات خود می‌شوند.

### زنجیره‌ی روابط بین شخصیت‌ها در حکایت بوف و زاغ

ساخت‌های مختلف شخصیت از هم تأثیر می‌پذیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند، یعنی در عین حال که از هم جدا هستند، به هم وابستگی دارند و رفتارهای آنان متأثر از هم‌دیگر است؛ یعنی پیامی که از جانب والد صادر می‌شود، بر پاسخ کودک و بالغ و حتی خود والد تأثیرگذار است. هر بعد از شخصیت در عین اثرپذیری از سایر ابعاد، مطابق با ویژگی‌های خود پاسخ می‌هد. این امر در شکل‌گیری نوع ارتباط بین شخصیت‌ها حائز اهمیت است.

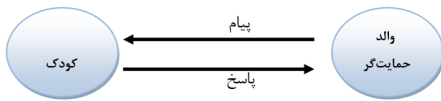


در جریان رفتارهای متقابل میان ابعاد مختلف شخصیت، حالات روحی و روانی‌ای چون ترس، اضطراب، تعارض و غیره ایجاد می‌شود که موجب بروز واکنش‌هایی از جانب شخصیت‌های دیگر می‌گردد و به این طریق نوعی روابط در هم تنیده و به هم پیوسته‌ای شکل می‌گیرد و فرد در این زنجیره‌ی روابط متقابل برای رها شدن از تنش‌هایی که در او بروز کرده است، از انواع مکانیزم‌های دفاعی استفاده می‌کند ضروری است این مکانیزم‌ها تبیین و توضیح داده شوند.

نظریه رفتار متقابل، به روابط درونی شخصیت‌ها و رابطه‌ی انسان‌ها با یکدیگر توجه ویژه‌ای دارد و تأکید می‌کند که اگر افراد با یکدیگر روابط سالم، صمیمانه و صادقانه داشته باشند و آن را جایگزین روابط مخرب، منفی و تحقیرآمیز نمایند، قادر خواهند بود که از فشارهای روانی خود و دیگران بکاهند و از زندگی لذت بیشتری ببرند. «فروید» (Sigmund Freud) نیز در نظریه‌های خود از ساختارهای روانی یا ذهنی به منظور توصیف نیروهای مختلف درگیر در شخصیت استفاده کرده بود. از نظر او شخص برای دوری از تکانه‌های روانی نامناسب از دفاع‌های روانی‌ای چون «والایش» (Sublimation)، «باطل‌سازی» (Undoing)، «اجتناب» (Avoidance)، «جداسازی» (Compartmentalization)، «واکنش‌سازی» (Reaction formation)، «انکار» (Denial)، «سرکوبی»

(Repression)، فرافکنی (Overhang) و غیره استفاده می‌کند (اینکلس، ۱۳۵۳: ۵۳).

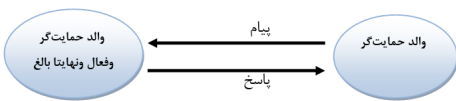
در بررسی روابط شخصیت‌ها در داستان کلیله و دمنه، زاغان برای نجات منتظر پیام شاه خود بوده و شاه برای یافتن راه نجات وابسته به وزیران دانای خود است، یعنی یک پیام از شاه زاغان صادر می‌شود و چندین پاسخ از وزیران داده می‌شود. مثلاً:



نمودار شماره ۱: پیام والد حمایت‌گر به کودک

پیام والد حمایت‌گر (شاه زاغان): پرسش از وزیر اول پیرامون بوفان.

پاسخ کودک (وزیر اول): فرار کردن چون زاغان را ضعیف و بوف‌ها را قوی می‌پندارد. در این‌جا شاه زاغان از بعد والد حمایت‌گر و نگران خود پیامی را صادر می‌کند و وزیر اول زاغان از بُعد شخصیتی کودک خود پاسخ پیام والد را می‌دهد.



نمودار شماره ۲: پیام والد حمایت‌گر به والد حمایت‌گر و نه‌ایتاً بالغ

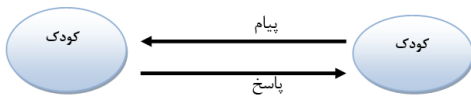
پیام والد حمایت‌گر (شاه زاغان): پرسش از وزیر پنجم پیرامون بوف‌ها.

پاسخ والد حمایت‌گر و فعال و نه‌ایتا بالغ (وزیر پنجم): راهنمایی سایر زاغان و نقد و انتقاد از

نظرات آن‌ها و مطرح کردن نقشه و ترفند. در این جا شاه زاغان از بُعد والد حمایت‌گر پیامی را صادر می‌کند و وزیر پنجم در پاسخ این پیام پس از انتقاد از سایر نظرات و بیان داستانی در باب عاقبت اندیشی و تلاش برای متقاعد کردن شاه و بقیه وزیران بعد از گذشتن از بُعد شخصیتی والد از بعد شخصیتی بالغ نقشه و ترفندی را مطرح می‌کند.

ساخت‌های مختلف شخصیت از هم تأثیر می‌پذیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند، مثلاً پیامی که از جانب والد صادر می‌شود، بر پاسخ کودک و بالغ و حتی خود والد تأثیر گذار است. هر بُعد از شخصیت در عین اثرپذیری از سایر ابعاد، مطابق با ویژگی‌های خود پاسخ می‌دهد، این امر در شکل‌گیری نوع ارتباط بین شخصیت‌ها حائز اهمیت است.

در داستان بوف و زاغ ما شاهد تأثیر پیام والد حمایت‌گر (وزیر پنجم زاغان) بر بعد شخصیتی کودک بوف‌ها هستیم و سبب اعتماد ایشان به وزیر زاغان و شکست بوف‌ها بوده است.

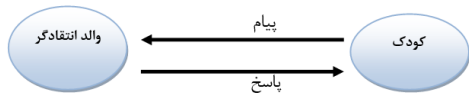


نمودار شماره ۳: پیام کودک به کودک

پیام کودک (وزیر پنجم زاغان): تمارض و ناله کردن در پای درخت برای فریب بوف‌ها. پاسخ کودک (بوف‌ها): اعتماد به سخنان زاغ و ترحم کردن به او.

در این جا وزیر زاغان برای فریب بوف‌ها از بُعد شخصیتی کودک بهره می‌گیرد و از این بُعد شخصیتی پیامی را صادر می‌کند و خود را قربانی سایر زاغان می‌کند و شروع به تمارض و ناله می‌کند، بوف‌ها هم در پاسخ به پیام صادره از بُعد شخصیتی کودک زاغ به بُعد شخصیتی کودک خود رفته و از این بُعد شخصیتی پاسخ می‌دهند و یک رابطه متقابل مکمل را شکل می‌دهند.

هم چنین در این داستان نیز بعد شخصیتی والد در وزیر زاغان بر بعد کودک وی غالب شده و از طرفی همین غلبه‌ی بعد والد در وزیر سبب تأثیرگذاری بر بعد شخصیتی کودک بوفان شده و سبب ساز شکست ایشان می‌شود.



نمودار شماره ۴: پیام کودک به والد انتقادگر

پیام کودک (وزیر پنجم زاغان): تمارض و ناله کردن و ابراز ناتوانی در پای درخت برای فریب بوف‌ها.

پاسخ والد انتقادگر (وزیر سوم بوفان): تلاش و اصرار و تاکید برای راضی کردن شاه بوفان جهت کشتن زاغ.

در این جا وزیر زاغان برای فریب بوفان از بُعد شخصیتی کودک بهره می‌گیرد و خود را قربانی سایر زاغان می‌کند و شروع به تمارض و ناله می‌کند و از بُعد شخصیتی کودک خود پیامی را صادر می‌کند، اما وزیر سوم بوفان در پاسخ این

پیام از بُعد شخصیتی والد انتقادگر وارد شده و برای کشتن زاغ تلاش و اصرار می‌کند و فریب ترندهای بُعد شخصیتی کودک زاغ رانمی‌خورد. در جریان رفتارهای متقابل میان ابعاد مختلف شخصیت، حالات روحی و روانی‌ای چون ترس، اضطراب، تعارض و غیره ایجاد می‌شود که موجب بروز واکنش‌هایی از جانب شخصیت‌های دیگر می‌گردد و به این طریق نوعی روابط در هم تنیده و به هم پیوسته شکل می‌گیرد و فرد در این زنجیره‌ی روابط متقابل برای رها شدن از تنش‌هایی که در او بروز کرده است، از انواع مکانیزم‌های دفاعی استفاده می‌کند که در این قسمت آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

۳-۳-۱. اضطراب: اضطراب (Agitation) یک احساس نامطبوع است. همانند تمام احساس‌ها و تجارب نامطبوعی که فرد سعی می‌کند، از آن‌ها دوری جسته و یا فرار کند. «اضطراب عبارت است از یک ناراحتی دردناک ذهنی درباره‌ی پیش‌بینی یک تهدید یا فرآیند ناخوشایند در آینده» (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۷۶).

در بررسی شخصیت‌های داستان بوف و زاغ کلیله و دمنه با سه مورد اضطراب مواجه هستیم؛ در این داستان گروه زاغان دچار اضطراب نوع اول هستند، زیرا عامل اضطراب‌زا در آن‌ها محیط بیرون و عوامل بیرونی است، به عبارتی تهدیدی از بیرون موجب اضطراب آنان شده است. در نوع دوم، اضطراب از تعارض بین شخصیت‌ها

وجود می‌آید، مثلاً تعارضی که بین والد و بالغ ایجاد می‌شود، از این رو شاه زاغان (والد) و وزیر پنجم زاغان (بالغ) در اثر اختلاف نظری که درباره‌ی ابهامات در اقدام بوف‌ها علیه زاغان دارند، مضطرب می‌شوند و وزیر زاغان احساس خطر می‌کند. وزیر زاغان نیز به بُعد شخصیتی کودک سوق یافته به سوی والد و سپس ب، د شخصیتی بالغ می‌رود. در اضطراب نوع سوم که از وجدان و درون سرچشمه می‌گیرد زاغ پس از اعلام دشمنی خود برای بوف‌ها دچار عذاب وجدان، اضطراب و تشویق اخلاقی می‌شود. البته به نظر نگارنده این نوع از اضطراب در این داستان کم‌رنگ بوده و نوعی تشویش از نتیجه حقه و فریب قطعاً بروز می‌کند اما از نتیجه شاد است و عذاب وجدان ندارد.

۳-۳-۲. ترس: در زنجیره‌ی روابط شخصیت‌ها ترس (Fear) حضور پُرننگی دارد. عامل ترس در تحول شخصیت نقش دارد و در رفتارهای آینده‌ی اشخاص تأثیرگذار است. «گاه فرد برای دست‌یابی به آنچه مورد نظرش است، به عامل ترس نزدیک می‌شود تا از این طریق احساس درماندگی خود را که موجب افزایش ترس شده از بین ببرد و به هدف خود دست یابد» (راتوس، ۱۳۸۸: ۹۰ - ۶۸۹).

در داستان بوف و زاغ، ترس زاغان از حمله بوف‌ها کاملاً مشهود است و همین ترس سبب تغییر رفتار هر یک از شخصیت‌های داستانی و

تأثیر آن در ابراز نظرات آنان بخصوص وزیر اول زانان می‌توان مشاهده نمود.

۳-۳-۳. تعارض: افزایش انرژی روانی که از والد صادر می‌شود، ایجاد تنش می‌کند و او برای کاهش تنش راهی می‌جوید. فرآیند کاهش انرژی توسط یک منبع، تسکین (Cathexis) نامیده می‌شود. «فرآیند تسکین هم توسط خود فرد و هم توسط محیط می‌تواند صورت گیرد. وابستگی به والدین، همسر، فرزندان، کار، آرمان‌ها و غیره از موارد تسکین هستند. اگر در جریان فرآیند تسکین مانع ایجاد شود، تعارض (Conflict) صورت می‌گیرد و اگر کاهش انرژی یا تنش‌های روانی از سوی یکی از ساخت‌های شخصیت با اقتضای ساخت‌های دیگر در تضاد باشد، انواع مختلف تعارض بروز می‌کند» (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۱: ۴-۵۳).

«هر چه سازگاری با عوامل محیطی کاهش یابد، بر شدت تنش‌های روانی افزوده می‌شود. برقراری روابط سالم و سازگار با محیط تنها با از بین بردن تنش‌های روانی ممکن خواهد بود. فروید روش‌هایی را که آدمی برای مقابله با تنش‌های روانی خود به کار می‌گیرد، مکانیزم‌های دفاعی (Defensive mechanism) نامیده است» (شاپوریان، ۱۳۸۹: ۹۰). در روابط بین شخصیت‌های داستان تعارض‌هایی وجود دارد که نوع رفتار شخصیت‌ها با هم‌دیگر و تصمیماتی که آنان در مواجهه شدن با تنش‌های روانی برای تسکین خود می‌گیرند،

در جریان داستان تأثیرگذار است.

انواع تعارض	مصادیق تعارض در داستان
تعارض بین «والد» و «بالغ»	تعارض اولیّه را در ماجرای ترس اولیّه زانان از بوفان و سپس ترس نهایی بومان از زانان نیز شاهد هستیم.
تعارض بین «والد» و «کودک»	بعد والد بوفان در مواجهه با وزیر زانان دچار تعارض والد و کودک خود شده و زمینه شکست را فراهم می‌سازد.

## سازکارهای دفاعی در حکایت بوفان و زانان

سازوکارهای دفاعی (Defensive mechanism) عبارت است از واکنش ناخودآگاه یا خود(من) به‌عنوان قسمتی از شخصیت به‌منظور کاهش اضطراب از طریق تغییر در ادراک واقعیت. از جمله مؤلفه‌های سازکاری‌های دفاعی، انکار، پیش‌بینی، فرافکنی، باطل‌سازی، جداسازی و غیره است (نظام‌زاده، ۱۳۸۷: ۸-۳۳).

فروید مکانیسم‌های دفاعی را به آن دسته از تدابیر ناهشیار اطلاق می‌کند که آدمی برای حل‌وفصل هیجان‌های منفی به کار می‌برد. این تدابیر هیجان‌مدار موقعیت تنش‌زا را تغییر نمی‌دهند؛ بلکه شیوه‌ی دریافت یا اندیشیدن شخص را به آن عوض می‌کنند. به این ترتیب در همه‌ی مکانیسم‌های دفاعی عنصر خودفریبی در کار است (اتکینسون، ۱۳۹۶: ۵۱۰).

از بین انواع سازکارهای دفاعی در بررسی شخصیت‌های داستان بوفان و زانان، شاهد سه نوع از سازکارهای دفاعی (پیش‌بینی، فرافکنی)

هستیم و باقی مؤلفه‌های سازکارهای دفاعی در این داستان وجود ندارند.

۳-۴-۱. پیش‌بینی: فرد در مکانیزم دفاعی پیش‌بینی (Anticipation) رویدادها، وقایع و نتایج کارها را در نظر می‌گیرد و عاقبت اندیشی خود را با دوری از کنش‌های تنش‌زا نشان می‌دهد (همان: ۱۱۷).

در داستان بوف‌ها و زاغان شاهد عاقبت‌اندیشی و آینده‌نگری زاغان برای خلاصی و نجات از بوف‌ها با استفاده از ترفند و حيله هستیم، هم‌چنین پیش‌بینی فریب خوردن بوف‌ها در نهایت رقم می‌خورد و نقشه زاغ عملی می‌شود.

۳-۴-۲. فرافکنی: راه دیگر برای مقابله کردن با تکانه‌های ناراحت‌کننده نسبت دادن آنها به فردی دیگر است. این مکانیزم دفاعی فرافکنی (Projection) نامیده می‌شود. «در این حالت، فرد تکانه‌های شهوت‌انگیز، پرخاشگرانه و سایر تکانه‌های غیرقابل قبول به دیگران نسبت می‌دهد، چنین فردی در واقع می‌گوید، من از او متنفر نیستم، او از من نفرت دارد» (شولتز، ۱۳۸۷: ۶۶).

در بررسی شخصیت‌های داستان بوف‌ها و زاغان در مورد مؤلفه فرافکنی باید گفت که چنین فرآیندی را در رفتار زاغ و وزیر می‌توان دید چرا که با بیان این مطلب که با بقیه زاغان به این دلیل که پیشنهاد آشتی با بوف‌ها را مطرح کرده و این که آنها یک پارچه و قوی‌تر هستند

خود را با استفاده از حيله مبرّا می‌سازد.

## نتیجه‌گیری

از نتایج این پژوهش می‌توان به اهمیت نظریه‌ی شخصیت برن و امکان بررسی و تطبیق آن با داستان‌های سنتی فابل اشاره کرد. این‌گونه داستان‌ها به رغم سادگی ظاهری‌شان از الگوهای شخصیتی کاملی برخوردارند. بررسی مؤلفه‌های تحلیل روابط شخصیت در داستان بوفان و زاغان کلیله و دمنه نشان می‌دهد که این داستان و سایر داستان‌های کلیله و دمنه ظرفیت و قابلیت فراوانی برای بازخوانی با رویکردهای میان‌رشته‌ای؛ به ویژه از دیدگاه نظریه‌های روان‌شناسی را دارند. این داستان‌ها دارای روایتی درهم تنیده از روابط درونی بین شخصیت‌ها هستند که در قرائت سطحی و صرفاً داستان‌وار آن قابل شناسایی نیست. پیامی که از جانب یکی از شخصیت‌ها ارسال می‌شود در واکنش دیگران تأثیر می‌گذارد؛ تحلیل رفتارهای متقابل در داستان‌ها آشکار می‌کند که هم‌زیستاری در هم تنیده‌ای میان شخصیت‌ها وجود دارد. روابط متقابل بین شخصیت‌های داستان در ابتدا از نوع متقاطع اما سازنده ولی در ادامه به تعامل از نوع مکمل تبدیل می‌شود که رفتارها چندان در جهت تأمین اهداف هم‌دیگر نیست و به اختلالاتی در رفتار آنها منجر می‌شود و در نهایت بُعد شخصیتی والد نسبت به سایر ابعاد شخصیت استفاده شده است.

## منابع

- اتکینسون، ریتال و دیگران (۱۳۸۱)، زمینه‌ی روانشناسی هیلگارد، ترجمه‌ی گروه مترجمان، تهران، رشد، چاپ دهم.
- استوارت، یان و ون جونز (۱۳۸۹)، تحلیل رفتار متقابل: روش‌های نوین در روان‌شناسی، ترجمه‌ی بهمن دادگستر، تهران، دایره، چاپ سیزدهم.
- اینکلس، الکس (۱۳۵۳)، جامعه‌شناسی چیست؟، ترجمه‌ی مشفق همدانی، تهران، امیر کبیر.
- بهرامی، منصور (۱۳۸۵)، مفاهیم تحلیل رفتار متقابل، تهران، خط هنر.
- پرین، لارنس (۱۳۷۷)، روانشناسی شخصیت: نظریه و تحقیق، ترجمه‌ی محمد جعفر جوادی و پروین کدیور، تهران، رسال، چاپ چهاردهم.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲)، بوطیقای ساختارگرا، ترجمه محمد نبوی، چاپ دوم، تهران، آگه.
- راتوس، اسپنسر (۱۳۸۸)، روانشناسی عمومی، ترجمه‌ی حسین ابراهیمی مقدم و دیگران، تهران، ساوالان، چاپ دوم.
- رضی، احمد و سمیه حاجتی (۱۳۹۱)، «تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه»، متن شناسی ادب فارسی، سال ۴۸ دوره‌ی جدید، شماره ۱ (پیاپی ۱۳ صص ۵۶ - ۳۹).
- شاپوریان، رضا (۱۳۸۹)، نیم رخ شخصیتی حافظ، تهران، جوانه‌ی رشد.
- شاملو، سعید (۱۳۸۲)، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت، تهران، رشد، چاپ هفتم.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیرکبیر.
- شولتز، دوان. پی و سیدنی الن شولتز (۱۳۸۷)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، تهران، ویرایش، چاپ سیزدهم.
- ضیف، شوقی (۱۳۷۶)، پژوهش ادبی: سرشت، شیوه‌ها، متن‌ها، منابع، ترجمه‌ی عبدالله شریفی خجسته، تهران، علمی و فرهنگی.
- فیست، جس و گریگوری فیست (۱۳۸۴)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، تهران، روان.
- کتابی، احمد (۱۳۸۳)، فرافکنی در فرهنگ و ادب فارسی، تهران، علمی و فرهنگی.
- نصرالله منشی، ابوالمعالی (۱۳۷۳)، کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- نظام زاده، ض غام و حسین قمری گیوی. سازوکارهای دفاعی و راه‌های مقابله در افراد مبتلا به اختلال اضطراب منتشر و افسردگی اساسی: مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، صص ۸ - ۳۳.
- نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۵)، رفتارهای بهنجار و نابهنجار، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم.